بررسی سطح آگاهی و نگرش پرسنل بیمارستان امیرالمومنین زابل در مورد لیشمانیوز جلدی

گزاره برگ پژوهشی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی زابل

مجری محمد کاویانی دانشجو پزشکی

منبع:واحد ترجمان دانش دانشگاه علوم پزشکی زابل

خلاصه پژوهش در یک نگاه:

لیشمانیوز جلدی یکی از مهم‌ترین بیماری‌های انگلی بومی در ایران و از معضلات بهداشتی مناطق اندمیک از جمله زابل است. با وجود شیوع بیماری، آگاهی و نگرش کارکنان نظام سلامت نسبت به آن نقش مهمی در تشخیص زودهنگام، آموزش بیماران و پیشگیری ایفا می‌کند. این مطالعه با هدف تعیین سطح آگاهی و نگرش پرسنل بیمارستان امیرالمؤمنین زابل نسبت به لیشمانیوز جلدی انجام شد.

مهمترین یافتهای اماری

از ۲۰۰ شرکت‌کننده، ۷۳.۵ درصد زن بودند و بیشترین فراوانی سنی در گروه ۲۱ تا ۳۰ سال قرار داشت. میانگین نمره آگاهی ۱۲/۲±۳۳/۱۴ از ۱۸ و میانگین نمره نگرش ۲۶/۲±۳۱/۱۷ بود. سابقه آلودگی به سالک در خانواده در ۷ درصد افراد گزارش شد، اما ۵/۸۴ درصد شناخت کافی از بیماری داشتند و ۳۰ درصد قادر به تشخیص ناقل بیماری بودند. بین میانگین نمره آگاهی با سن و شغل ارتباط معنی‌دار مشاهده شد، اما با جنسیت، تحصیلات و تعداد افراد خانواده ارتباطی وجود نداشت. همچنین نگرش با تعداد افراد خانواده و شغل ارتباط معنی‌دار داشت، ولی با جنسیت، سن و تحصیلات مرتبط نبود. سابقه خانوادگی ابتلا و تلقی سالک به عنوان یک مشکل بهداشتی با آگاهی و نگرش بالاتر همراه بود.

ابعاد و پیامد ها:

1. آگاهی ناکافی در تشخیص افتراقی یکی از مهم‌ترین مشکلات است.
2. نگرش مثبت لزوماً به عملکرد مناسب منجر نمی‌شود، مگر آنکه با آموزش عملی و مداوم همراه باشد.
3. تفاوت سطح تحصیلات و رشته شغلی بر دانش و عملکرد اثرگذار است.

پیامهای کلیدی:

آگاهی و نگرش پرسنل بیمارستان امیرالمؤمنین زابل نسبت به لیشمانیوز جلدی در سطح متوسط قرار داشت. با توجه به ضعف موجود در شناخت ناقل بیماری، طراحی برنامه‌های آموزشی هدفمند و شغل‌محور، به‌ویژه در زمینه راه‌های انتقال و پیشگیری، ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهادات:

1.برنامه های اموزشی منظم و مستمر برای همه گروه های شغلی پرسنل بیمارستانی طراحی و اجرا شود با تاکید بر شناسایی ناقل لیشمانیوز جلدی

2.اموزش ها باید برای گروه های با سطح اگاهی پایین تربیشتر باشد

3.انجام مطالعات جنذ مرکزی با نمونه بزرگتر انجام شود

محدودیت ها:

این مطالعه یک مطالعه مقطعی است لذا برای درک دقیق تر روابط علت و معلولی وتاثیرات طولانی مدت انجام مطالعات اینده نگر و کارازمایی های مداخله ای در اینده ضروری بنظر می رسد.

جمع بندی نهایی:

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان داد که پرسنل بیمارستان امیرالمؤمنین زابل از سطح آگاهی و نگرش متوسطی نسبت به لیشمانیوز جلدی برخوردارند؛ سطحی که در برخی ابعاد (نظیر تلقی بیماری به‌عنوان یک مشکل بهداشتی) از جامعه عمومی در مطالعات مشابه بهتر است.اما در بعد تخصصی شناخت ناقل بیماری، ضعف قابل‌توجهی مشاهده می‌شود این یافته‌ها بر لزوم طراحی برنامه‌های آموزشی متمایز و هدفمند بر اساس گروه شغلی پرسنل، با تأکید ویژه بر آموزش زیست‌شناسی و بوم‌شناسی ناقل بیماری، تأکید دارند.